



مطالعه تطبیقی اعلامیه جهانی حقوق بشر با عمل نسبت به آن در قالب قوانین جمهوری اسلامی ایران

میلاذ میری نام نیها^۱

کد مقاله: ۹۸۴۹۴

چکیده

مسئله حقوق بشر بعنوان حقوق اساسی انسان ها همواره در طول تاریخ زمینه ساز مناقشات فراوانی گردیده است. پس از فجایع دو جنگ جهانی و احساس نیاز افکار عمومی نسبت به مدون سازی قوانین حقوق بشری در بستر سازمان تازه تاسیس ملل متحد برای جلوگیری از تکرار فجایع مشابه، اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان نوزاد این تفکر در سال ۱۹۴۸ متولد گشت. از همان ابتدا مشخص گردید که این اعلامیه نمیتواند در قرابتی کامل با هنجارهای تمامی ملل و دول جهان قرار گیرد و نتیجتاً زمینه ساز مخالفت هایی خصوصاً از جانب کشورهای حوزه تمدن اسلامی گردید. ایران به عنوان یکی از موافقان اولیه این اعلامیه و همچنین یکی از بزرگترین کشورهای اسلامی، با توجه به شرایط فرهنگی خود همواره در چالش بسیاری برای مدون سازی اعلامیه مذکور و همچنین سایر کنوانسیون های حقوق بشری در قالب قوانینش قرار داشته است. حال ما در پی پاسخ به این سوال خواهیم بود که ایران تا چه میزانی نسبت به تطبیق قواعد این اعلامیه با قوانین داخلی اش و خصوصاً قانون اساسی خود اقدام نموده است. فرضیه مطرح در پاسخ به سوال مذکور بیان میکند که تطبیق این قواعد از سوی ایران تا حدیست که بر قوانین اساسی ملی-مذهبی خود خدشه ای وارد ننماید. با توجه به هدف پژوهشگر برای استخراج نتیجه ای جامع از واقعیت های موجود، روش کلی این پژوهش از نوع استقرایی و اهداف آن کاربردی بوده و در ادامه از روش توصیفی-تحلیلی برای نگارش همراه با مطالعه منابع کتابخانه ای و همچنین اینترنتی استفاده گردیده است. نهایتاً نتیجه حاصله نیز ضمن تایید فرضیه اولیه بیان میکند که دولت ایران تا حدی رویکرد مدون سازی اعلامیه جهانی حقوق بشر را در قالب قانون اساسی خود دنبال نموده ولی همچنان از تایید و اجرای برخی از بندهای آن امتناع ورزیده که همین موضوع بستر فشار سازمان های بین المللی را بر این کشور فراهم نموده است.

واژگان کلیدی: اعلامیه جهانی حقوق بشر، سازمان ملل، اسلام، ایران، قانون اساسی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته روابط بین الملل، دانشگاه اصفهان (miladmiri.ir@gmail.com)

حقوق و کرامت انسانی از ابتدای تولد بشر تاکنون مبنای شکل‌گیری روابط دوستانه و همچنین مناقشات گوناگونی در سطح جهانی و منطقه‌ای بوده که هرکدام معیارهای شکل‌گیری خاصی را برای خود متصور شده‌اند. بدیهیست مشخصه‌های حقوق بشری چندین هزار سال قبل که در آن مالکیت اشتراکی بدون وجود قوانین مدون و صرفاً با توجه به هنجارهای قومی و قبیله‌ای و پس از آن دوران‌های مختلف تمدنی همچون برده‌داری، فئودالیسم و... بوده با تعریف امروزی از حقوق بشر تفاوت‌های بنیادین بسیاری دارد و در واقع تعریف این موضوع نسبی و صرفاً با توجه به زمان، مکان و همچنین تفسیرهای گوناگون‌بست که با توجه به قومیت‌ها، ادیان و سایر مسایل هنجارساز جامعه از آن شده است. به عنوان مثال تعریفی که رژیم‌هایی همچون نازی و آپارتاید از حقوق انسانی ارائه داده‌اند مبتنی بر برتری نژادست و یا حتی در ارتباط با ادیان این موضوع دستاورد جنگ‌های مذهبی بسیار ویرانگر است که در مواقعی میان پیروان یک دین با یکدیگر (جنگ‌های مذهبی سی ساله اروپا) و در مواقعی ادیان مختلف با یکدیگر (جنگ‌های صلیبی) خود را بروز داده است. بصورت کلی منشأ درگیری‌ها، جنگ‌ها و انقلاب‌ها در طول تاریخ را می‌توان در انگیزه بدست آوردن حقوقی دانست که انسان‌ها با توجه به تعبیر ذهنی خودشان از حقوق انسانی یا پیروی از ایدئولوژی‌ای خاص آن را دنبال نموده‌اند. از آنجا که تفکرات ایدئالیستی پس از پایان جنگ جهانی اول ناکارآمدی خودش را با بروز جنگ جهانی دوم نشان داد نیاز به تعریف مدون و جهانی از حقوق بشر در میان ملت‌ها و دولت‌های مختلف بیش از پیش احساس گردید. نخستین تلاش‌ها با شکل‌گیری جامعه ملل حاصل از قرارداد ورسای خود را بروز داد و بزودی مشخص گردید ضمانت اجرایی این سازمان بسیار پایین‌تر از آن است که بتوان حقوق بشر را در ورای آن بر کشورها تحمیل نمود. پس از جنگ جهانی دوم دولت‌ها اراده بیشتری را برای شکل‌دهی به قوانین مدون حقوق بشری از خود نشان دادند و سرانجام اعلامیه جهانی حقوق بشر را در سال ۱۹۴۸ میلادی و در قالب سازمان ملل ارائه دادند. مسلمانان اعلامیه مذکور تعریفی کلی و تا حدودی کامل را از مفهوم حقوق بشر ارائه داد ولی علاوه بر آنکه فاقد ضمانت اجرایی محکم‌بست و تعاریف آن با توجه به دست‌بالای قدرت‌های جهانی در این سازمان برای هر کشور متفاوت و با توجه به ارتباطات میان دولت‌های مختلف با یکدیگر است، ادیان مختلف را نیز به دلیل تفاوت ساختاریشان با تفکرات جهان‌گرایانه غربی در چالش با خود قرار داده که در مواردی با این اعلامیه همسو و در مواردی نیز افتراقشان را از آن پنهان نمیکنند. مسلمانان دیدگاه اسلامی ممکن است تعریف حقوق انسانی نسبت به تعاریف دولت‌هایی که صرفاً با توجه به قواعد ماتریالیستی دیدگاه خود را از این حقوق آرایه می‌دهند و یا حتی سایر ادیان ابراهیمی تا حدودی متفاوت باشد. در این میان برخی کشورهای اسلامی همانند ایران که نسبت به این اعلامیه روی خوشی نشان داد و با رای مثبت خود از آن استقبال نمود، با توجه به هنجارهای فرهنگی و مذهبی‌اش نتوانست هماهنگی کاملی را نسبت به آن از خود بروز دهد. این موضوع خصوصاً پس از انقلاب اسلامی ایران و حساسیت بیش از پیش نظام جدید نسبت به قوانین و هنجارهای مذهبی به وضوح جلوه‌گر گردید.

حال سوالی که در این جا مطرح گردیده و البته هدف اصلی پژوهش را نیز در ورای خود قرار میدهد این است که ایران به عنوان یکی از موافقان اولیه اعلامیه مذکور تا چه میزانی نسبت به مدون‌سازی و تطبیق مواد آن با قوانین داخلی‌اش و خصوصاً مرجع آنها یعنی قانون اساسی اقدام نموده و عملکرد آن به چه شکل بوده است. در این میان فرضیه مطرح برای پاسخ به سوال مذکور این است که دولت جمهوری اسلامی ایران تا حدودی نسبت به تطبیق بندهایی از این اعلامیه با قانون اساسی خود اقدام نموده که خدشه‌ای را به قوانین اساسی ملی و مذهبی خود وارد ننماید. اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع در آن است که فشارهای بسیاری از سوی نهادها و قدرت‌های بزرگ عمدتاً غربی با بهانه‌های مختلف حقوق بشری نسبت به ایران اعمال گردیده و البته همین موضوع نیز در جهت دهی به افکار عمومی جهانی در برابر کشور موثر بوده است. حال میتوان با شناخت نقاط همبستگی و تفارق میان اعلامیه جهانی حقوق بشر با عملکرد و همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تا حدود بسیاری نسبت به نزدیک نمودن این دو عمل نموده و در نتیجه راه را برای بهانه‌جویی‌های پیوسته این قدرت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و در نتیجه فشارهای گسترده نظری و عملی حاصل از آن محدود نمود. از آنجایی که هدف پژوهشگر کسب نتیجه‌ای جامع و کامل از واقعیت‌های موجود در ارتباط به موضوع مورد بحث میباشد، روش کلی این پژوهش از نوع استقرایی و اهداف آن به دلیل امکان استفاده در راستای ارتقا بخشی کیفیت عملکرد نسبت به این نتیجه، از نوع کاربردی میباشد. در ادامه نیز هم از روش توصیفی برای به تصویر کشیدن وضعیت موجود و هم تحلیلی برای تبیین دلایل و چرایی این وضعیت استفاده گردیده و در این میان تمرکز پژوهشگر بر روی منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و همچنین دانسته‌ها و یافته‌های شخصی بوده است. در راستای حصول نتایج مورد نظر در این پژوهش سعی شده علاوه بر ارائه توضیحاتی در باب پیشینه تاریخ مدون حقوق بشر، نحوه شکل‌گیری اعلامیه جهانی آن را بصورت خلاصه مشخص شده و ضمن ارائه توضیحاتی درباره دیدگاه اسلامی نسبت به حقوق بشر، میزان پایبندی ایران را به عنوان یکی از مهمترین کشورهای اسلامی نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های وابسته‌اش را از نقطه نظر سازمان‌های بین‌المللی بررسی گردد.

۲- تاریخچه مدون حقوق بشر

میتوان نخستین تلاش های انسان و به تبع آن تمدن های انسانی برای شکل دهی و مدون سازی قوانین حقوقی را در حدود هزاره دوم پیش از میلاد مشاهده نمود. جایی که در حدود سال ۱۷۵۰ پ م حمورابی پادشاه قدرتمند نخستین سلسله بابل قدیم، قوانین ۲۸۲ ماده ای خود مبتنی بر قوانین حقوقی، مدنی و جزایی را بر روی ستون بازالتی برای ملتش تأیید و اعلام نمود. حدود ۱۲۰۰ سال پس از آن، کوروش کبیر پادشاه سرزمین پارس در سال ۵۳۸ پ م منشور خود که از سوی برخی افراد و همپنین موسساتی همانند موزه بریتانیا به عنوان نخستین بیانیه حقوق بشر شناخته می شود را در قالب ۴۵ سطر و بر روی استوانه ای گلی ارائه نمود.

با گذشت ادوار و بروز جنگ ها و انقلاب های فراوانی که با محوریت مردم تحت ستم توسط حکومت های مشخصا فئودالیستی در سراسر جهان بوجود آمده بود، در قرن ۱۷ نخستین تلاش ها برای تعریف امروزی از حقوق بشر در انگلستان و انقلاب با شکوه ۱۶۸۸ و در قالب دکترین حکومت پارلمانی در قانون اساسی آن کشور شکل گرفت. حدود یکصد سال بعد و در سال ۱۷۷۶ اعلامیه استقلال آمریکا در حالی به تصویب رسید که در مقدمه آن صراحتا از حق آزادی مردم سخن گفته شد و حکومت را به گونه ای تعریف می نمود که عملکرد و شکل گیری آن وابسته به رضایت و خواست مردم است. چندین سال پس از آن و با شکل گیری انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ مهمترین حرکت در راستای بیانی امروزی از حقوق بشر و در خلال تدوین قانون اساسی حاصل از آن انقلاب شکل گرفت. در مقدمه این قانون اساسی شاهد اعلامیه ای با موضوع حقوق بشر هستیم که در ابتدای آن صراحتا ذکر شده بود که تمام مردم بدون تمایز نژادی، دینی و اعتقادی از حقوقی سلب نشدنی و مقدس برخوردارند. این بیانیه که با عنوان اعلامیه حقوق بشر فرانسه نیز شناخته شده است سرآغاز دوره جدیدی در عرصه حقوق انسانی در سطح جهان گشت، بطوریکه در قوانین اساسی کشورهای مختلف پس از آن و همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ جلوه های مستقیمی از تأثیرات آن را می توان برآحتی مشاهده نمود. (والتر، ۱۳۸۴: ۱۶۲)

سال های بعد با توجه به جنگ های مخرب منطقه ای و بعضا جهانی همانند کشورگشایی های ناپلئون، جنگ های داخلی آمریکا و در نهایت جنگ جهانی اول، دولت هایی که در اندیشه چاره جویی برای جلوگیری از بوجود آمدن حوادث و خشونت های مشابه بودند را بر آن داشت تا نخستین سازمان با ابعاد جهانی را برای هماهنگی، نظارت و همکاری میان کشورها تحت عنوان جامعه ملل در نهم ژانویه ۱۹۲۰ و در پی کنفرانس صلح پاریس که به جنگ جهانی اول پایان داد پی ریزی نمایند. در ورای تفکرات ایدئالیستی پیش آمده حاصل از صلح پس از جنگ و جامعه ملل، تلاش های بسیاری منجمله پیدایش فدراسیون بین المللی حقوق بشر پاریس در ۱۹۲۲ برای حصول خواست های حقوق بشری ملت های جهان شکل گرفت ولی بزودی با بروز بحران های اقتصادی ۱۹۲۹ و همچنین فوران احساسات ناسیونالیستی کشورهای شکست خورده در جنگ جهانی اول و تحقیر شده در قرارداد ورسای همانند آلمان و ظهور نازیسم حاصل از آن، شکست تفکرات آرمانی صراحتا جلوه گر گشت. حمله کشورهایی همچون ایتالیا به اتیوپی و خروج بی دغدغه کشورهای عضو برای جلوگیری از پاسخگو بودن در قبال اقدامات خود همچون ژاپن و انفعال شدید جامعه ملل در برابر این اقدامات، بیش از پیش ناتوانی تفکر خوشبینانه دولت ها نسبت به این سازمان و همکاری و بلتبع مسائل حقوق بشری را روشن نمود.

با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ علاوه بر تلاش های فردی نخبگانی همانند اچ جی ولز که بیانیه حقوق بشری خود را تحت عنوان "ما برای چه میجنگیم؟" به زبان های مختلف انتشار داد، دولت ها و رهبران قدرتمند جهان نیز تلاش های خود را برای استفاده از فرصت پیش آمده در راستای ارتقاء چهره خود نزد ملل مختلف و همچنین ترسیم دنیای پس از جنگ آغاز نمودند که برجسته ترین آنها فرانکلین روزولت رئیس جمهور آمریکا بود. روزولت که در ابتدای این جنگ نسبت به سیاست های جنگ طلبانه نازی ها موضع سکوت را در پیش گرفته بود و در داخل نیز با چالش های اقتصادی و مخالفت های حزب رقیب در کنگره مواجه بود سرانجام با جرعه حاصل از حمله ژاپن به پرل هاربر و ورود به جنگ، شانس خود را برای کسب رهبری سیاسی نظام بین المللی امتحان نمود. وی علاوه بر مامور نمودن وزارت امور خارجه ایالات متحده و در راس آن کاردل هال به تدوین لایحه ای حقوق بشری به عنوان بخشی از تدارکات دوران پس از جنگ، خود نیز منشور آتلانتیک را در اواخر ۱۹۴۱ با چرچیل نخست وزیر بریتانیای کبیر به امضا رساند که در بندهایی از آن بر لزوم حمایت از آزادی، استقلال، عدالت و رهایی انسان از ترس و فقر تأکید گشته بود. در کوران شش ساله آتش جنگ افروزی ها و سوختن آرزوهای آرمانی قرن بیستم، همچنان تلاش هایی از سوی متفقین و رهبران بزرگ آنها منجمله روزولت، استالین و چرچیل برای تاسیس سازمانی جایگزین جامعه ملل منسوخ شده انجام و به تبع آن کنفرانس هایی در این زمینه شامل مسکو، تهران، دامبرتن اکس، یالتا و سان فرانسیسکو برگزار گردید. به هنگام تشکیل دومین نشست دامبرتن اکس ۱۹۴۴ که در آن برنامه ریزی های شکل دهی به سازمان ملل متحد توسط چهار قدرت متحدین منجمله ایالات متحده، شوروی، بریتانیای کبیر و چین در حال برگزاری بود، ایالات متحده و چین حامی و خواستار گنجاندن بندهای صریح حقوق بشری در منشور این سازمان بودند که با مخالفت های شوروی و بریتانیا ملغی گردید. در نهایت طرح گنجاندن بندهای حقوق

بشری بصورت کلی و مبهم در حالی به کنفرانس سان فرانسیسکو ارسال گردید که تنها چین بعنوان یکی از بزرگترین قربانیان عملکردهای نژادپرستانه و ضد انسانی شدید در جنگ جهانی دوم خصوصا توسط امپراتوری ژاپن، خود را عمقا به عنوان حامی موازین حقوق بشری معرفی می نمود. در این دوره عمدتا کشورهای کوچک و تحت استعماری که در دوران جنگ به واسطه سواستفاده قدرت های بزرگ دو طرف درگیری دچار آسیب های فراوانی شده بودند به عنوان پرشورترین حامیان موازین حقوق بشری در کنفرانس های مربوط به تشکیل سازمان مطرح بودند. نهایتا در سان فرانسیسکو و با تلاش های فرانسه، نیوزلند و استرالیا هفت ارجاع حقوق بشری به منشور افزوده شد و سازمان ملل متحد متولد گشت. (والترز، ۱۳۸۴: ۱۷۰-۱۷۵)

با شکست متحدین و تشکیل دادگاه نورنبرگ هرچه بیشتر پرده از جنایات شکل گرفته در این دوره برداشته شد و همین موضوع به مانند ابرهایی تیره بر آسمان افکار عمومی ملل جهان سایه افکند. ترس از شکل گیری فجایعی مشابه کوره های آدم سوزی نازی ها، فجایع آزمایشات ضد انسانی ژاپنی ها در واحد ۷۳۱ و همچنین بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی توسط آمریکا، افکار عمومی را به سمت شکل دهی قوانین مدون و بازدارنده برای حمایت از حقوق بشر در بستر سازمان تازه تاسیس ملل متحد سوق داده بود. در ورای این تفکرات مجمع عمومی سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر را مامور بررسی و تهیه اعلامیه ای جهانی در ارتباط با مسئله حقوق بشر نمود.

ریاست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در آن هنگام بر عهده النور روزولت، همسر رییس جمهور درگذشته آمریکا بود که بر تمامی مراحل و فرآیند تهیه پیش نویس و تصویب نهایی اعلامیه نظارت داشت و اغلب وی را موثرترین شخص در شکل گیری آن میدانند. این موضوع درحالیست که افراد شاخص دیگری نیز در تهیه این اعلامیه تاثیرات فراوانی داشتند، منجمه رنه کاسین پژوهشگر فرانسوی که به واسطه کوشش های وی برای نگارش، اصلاح و انسجام بخشی به پیش نویس این اعلامیه در سال های بعد برنده جایزه نوبل صلح گشت. همچنین جفاست که اگر در این جا از جان همفری، نخستین مدیر حقوق بشر سازمان ملل متحد که مامور نگارش متن پیش نویس با استفاده از سند حقوقی آورو آورو، حقوق دان شیلیایی که توسط هیئت سیاسی پاناما به کنفرانس سان فرانسیسکو تقدیم گردیده بود شد و در تهیه و بست پیش نویس این اعلامیه تلاش های بسیار داشت نام نبریم. سرانجام در پی روند مذاکرات طولانی هجده عضو کمیسیون حقوق بشر و در می ۱۹۴۸ کمیسیون متن پیش نویس نهایی را به کمیته سوم مجمع عمومی ارجاع و نهایتا با انجام روند اصلاحات دو ماهه بر روی آن، در دسامبر ۱۹۴۸ و در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحت عنوان اعلامیه جهانی حقوق بشر (UHDC) به تصویب کشورهای عضو رسید. (والترز، ۱۳۸۴: ۱۷۶-۱۷۹)

۳- اعلامیه جهانی حقوق بشر

همانگونه که پیشتر ذکر گردید اعلامیه جهانی حقوق بشر در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و طی قطعنامه ۲۱۷ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید. لازم به ذکر است از کشورهای عضو سازمان تا آن تاریخ که بالغ بر ۵۸ دولت میگردیدند، تعداد ۴۸ کشور با رای مثبت، ۸ کشور با رای ممتنع، ۲ کشور بدون شرکت در رای گیری و بدون وجود هیچگونه رای منفی زمینه تصویب آن را فراهم نمودند. (سلطانی گردفرامرزی، ۱۳۹۶: ص ۵)

مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر که در قالب یک مقدمه و سی ماده مورد نگارش واقع گردید در واقع تأکیدی بر حقوق فطریست که انسان به واسطه انسان بودن از آنها برخوردار است و در واقع این اعلامیه آنها را به رسمیت شناخته و بوجود آورنده صرف آنها نیست. نکته قابل توجه در این اعلامیه جهان شمولی و مورد قبول واقع شدن تعاریف موجود در آن از سوی بسیاری از ملل و دولت های جهان می باشد، هرچند که به دلیل مغایرت بخش هایی از آن با باورها، هنجارها و مذاهب تعدادی از کشورها، زمینه به وجود آمدن اختلافاتی نیز نسبت به تعریف، اجرا و حتی پاسخی متقابل به آن با توجه به مبانی دینی گردیده است. از آنجایی که این اعلامیه توسط مجمع عمومی و در قالب اعلامیه ای صرف ارائه گردید طبق قوانین سازمان ملل از قدرت الزام آور حقوقی برای کشورها برخوردار نبوده و علاوه بر تشریح دیدگاه این سازمان نسبت به حقوق بشر، صرفا تعهدات اخلاقی و سیاسی برای دولت های مذکور ایجاد می نمود. ولکن ضعف مورد نظر بستر سو استفاده دولت های مختلفی گردید که هرچند با تصویب آن موافقت نمودند ولی در عمل نسبت به بندهایی از آن بی تفاوت بوده و صرفا تصویب آن در مجمع عمومی را زمینه ای برای تلطیف افکار عمومی داخلی و جهانی نسبت به خود می پنداشتند. این موضوع دستاورد تبدیل این اعلامیه به لایحه ای الزام آور از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل برای اعطای قدرت حقوقی به سازمان و نهادهای وابسته برای متنبه ساختن دولت های متخلف با محکومیت و مجازات های عملی گردید.

در ابتدا کمیسیون در ۱۹۵۴ دو پروتکل الحاقی به این اعلامیه با نام های میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، فرهنگی و اقتصادی (ICESCR) را ارائه و نهایتا در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ از تصویب مجمع عمومی گذراند. سرانجام در ۱۹۷۶ و همزمان با تصویب میثاقین اعلامی توسط مجالس اکثر دولت های امضا کننده آنها، اعلامیه

جهانی حقوق بشر به واسطه دو میثاق جدید همراهش، قدرت الزام آور خود را علیه دولت های مصوب آن و در قالب منشور جهانی حقوق بشر بدست آورد. (Williams, 1981)

۴- اسلام و حقوق بشر

حقوق بشر همواره به عنوان یک قرارداد اجتماعی که ژان ژاک روسو از آن به عنوان باید ها و نباید های موجود در جامعه سخن گفته حتی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین آن فاقد وجود تعریفی خالص از عبارت صرف خود میباشد، به عبارتی پس از وقوع فجایع شکل گرفته در جنگ جهانی دوم و بلتبع نگرانی های روز افزون جامعه جهانی نسبت به شکل گیری وقایع مشابه، دولت های جهان را بر آن داشت که بدون ارائه تعریفی از واژه حقوق بشر صرفا به ارائه باید ها و نباید هایی در قالب یک اعلامیه برای تلطیف افکار عمومی بسنده کرده و راه را برای تفاسیر گوناگونی بر آن باز بگذارند که البته به نظر نمی رسد این موضوع بر پایه عدم آگاهی آن ها شکل گرفته باشد و بیشتر جنبه منافع این دولت ها را در بر میگیرد.

در همین حال و از قدیم الایام، مکاتب مختلف تعاریف خاص و نسبی خود را نسبت به حقوق انسان ها مطرح نموده اند. از جمله مهمترین آن ها مکاتب آرمان گرایانه و ماتریالیستی تاریخیست که مورد اول تعریف حقوق بشر را مجموعه ای از حقوق میداند که برای حفظ کرامت و شرافت انسانی لازم و بنیادین بوده و تحت هیچگونه شرایطی و توسط هیچ فردی قابل تغییر نخواهد بود، خواه که تعریف دوم با این موضوع مخالفت نموده و قائل بر تغییر و تحول تاریخی قواعد حقوقی و به تبع آن حقوق بشری بوده و تعریفی مطلق از این موضوع را ارائه نمیدهد. یکی دیگر از مکاتب حقوق بشری که عمدتا تعاریف دینی و خصوصا اسلامی به عنوان شاخه هایی از آن مطرح میگردند، تعریف مکتب فطری از این حقوق میباشد. تعاریف این مکتب بسیار به مکاتب آرمان گرایانه نزدیک و قائل به وجود مجموعه قوانین فطری و ضروری در زمینه حقوق بشر بوده که قانون گذار نباید آن را نادیده انگاشته و البته همین مکتب نیز موتور محرک شکل دهی به انقلاب کبیر فرانسه و اعلامیه معروف حقوق شهروند آن می باشد. (صفائی، ۱۳۷۰: ۱-۲)

در این میان دیدگاه اسلامی از ابتدای وجودی آن همواره بر کرامت و حقوق فطری و بشری تاکید فراوان داشته و میتوان تجلی آن را به وضوح در آیه های ۲۵۶ سوره بقره، ۱۸ سوره زمر، ۱۳ سوره حجرات و ۳۲ سوره مائده در ارتباط با آزادی دین و مذهب، آزادی بیان، برابری انسان ها و حق حیات بدون تبعیض مشاهده نمود که حتی با تعریف های ارائه شده عمدتا اومانستی و جهان شمول گرایانه اعلامیه جهانی حقوق بشر همپوشانی بسیاری دارند. (پورا احمدی، ۱۳۸۹: ۴۷۷-۴۷۸) این موضوع درحالیست که علاوه بر وجود قرابت های فراوان میان این دو، نقاط تفارق فراوانی را خصوصا از منظر تفسیر متفاوت علمای اسلامی از قرآن و بلتبع حقوق بشر اسلامی می توان با این اعلامیه مشاهده نمود. برخی آن را به واسطه نگارشش توسط عقل بشری فاقد قدرت تفکر لازم برای شناخت خود و تحت تاثیر هوای نفسانی دانسته و بیانات آن را صرفا الفاظی فریبنده و بی محتوا در راستای تسلط استعماری جهان غرب بر جوامع جهان سومی علی الخصوص اسلامی میدانند. در نقطه مقابل برخی اندیشمندان نیز مفاهیم و مفاد موجود در آن همچون آزادی، عدالت و برابری را در مشابهت کامل با قوانین دینی و اسلامی دانسته و دستاورد عالی بشری به شمار می آورند، همچنین بر اساس ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر که تفاوت دینی و فرهنگی ملل مختلف را مورد توجه قرار داده اعلام میدارند که می توان با وضع قوانین مبتنی بر قواعد اسلامی راه را برای سو استفاده احتمالی نهادها و قدرت های غربی از جوامع اسلامی محدود نمود. (اسلامی، ۱۳۹۱: ۱-۲)

بصورت کلی و بر اساس دیدگاه اسلامی از آنجایی که مخلوق و مالک حقیقی جهان هستی خداوند متعال بوده روشن است که سرچشمه وضع قوانین مربوط به راه زندگی و رستگاری انسان در اختیار او بوده و این قوانین از طریق وحی بر پیامبر اکرم و پیامبران الهی پیش از آن نازل گردیده و در کتاب مقدس آنان و بصورت جامع در آخرین کتاب آسمانی، قرآن متبلور گردیده است. همچنین به واسطه گذر دوران و نیاز انسان ها به داشتن قوانین جدید مبتنی بر وضعیت زمانی حال، خداوند حق نصب و عزل مفرد آن را تا حدودی در اختیار پیامبران و معصومین و در نبود آنها حاکم شرع قرار داده است. نتیجتا در جامعه اسلامی و دینی بر اساس قواعد الهی آن، نه تنها زندگی دنیوی بلکه زندگی اخروی به واسطه رستگاری ابدی انسان دارای اهمیت فراوان بوده و دارای هنجارهاییست که عمل به هرگونه قوانین شکل گرفته توسط بشر که مغایر با قوانین نازل الهیست را کاملا منع مینماید. همین موضوع بستر اختلافات عمده جامعه اسلامی و به تبع آن دولت های اسلامی با قواعد حقوق بشری ای بوده که عمدتا با توجه به تفکرات انسان گرایانه باختر زمین مورد نگارش قرار گرفته اند. (فرخی، ۱۳۹۴: ۵)

اینگونه اختلافات عمدتا فلسفی و هستی شناسانه از سوی دیدگاه اخروی مدار اسلامی و اومانستی غربی نهایتا منجر به پاسخی از سوی دولت های اسلامی نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ در قالب اعلامیه ای با نام اعلامیه اسلامی حقوق بشر در نوزدهمین نشست وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره ۱۹۹۰ گشت که بر پایه یک مقدمه و

۲۵ ماده به تصویب دولت های عضو رسید. البته بسیاری از اندیشمندان عمدتاً اسلامی نیز اعلامیه مذکور را تلاشی ظاهری برای پاسخ گویی به اعلامیه جهانی حقوق بشر دانسته و آن را فاقد اصول و عقاید صحیح و جامع اسلامی می دانند.

۵- عملکرد دولت جمهوری اسلامی ایران

بررسی و مطالعه تعاملات حقوق بشری ایران با سازمان ملل متحد و نهادهای زیربند از چندین منظر قابل بحث بوده که پیش از ارائه آن نیاز به بیان توضیحاتی در ارتباط با انطباق پذیری مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر با قوانین کشور و خصوصاً قانون اساسی به عنوان بالاترین مرجع قانونی کشور می باشد. در همین ارتباط لازم به ذکر است امضا این اعلامیه و میثاقین وابسته به آن و همچنین تصویبشان در مجلس شورای ملی نظام وقت پیش از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ به وقوع پیوست و پس از انقلاب نیز نه تنها تلاشی برای خروج و نادیده انگاشتن آن از منظر قانونی انجام نگرفت بلکه با پیوستن نظام حاکم جدید به تعدادی از کنوانسیون های تکمیل کننده، عملاً راه اعتلا و التزام به موازین جهانی حقوق بشر دنبال گردید. بصورت کلی عملکرد دولت ها در ارتباط با مسئله حقوق بشر مستلزم رعایت کنوانسیون ها و میثاق های است که به هنگام تصویب آنها در مرجع قانون گذاری دولت ها یعنی مجلس، به عنوان حقوق بین الملل قدرت اجرایی پیدا کرده و آن ها را موظف به رعایت مفاد آن برای جلوگیری از بوجود آمدن مسئولیت بین المللی می کند.

با توجه به نظریه اعلامی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تا به امروز تعداد ۱۸ معاهده بین المللی در قالب کنوانسیون، میثاق و پروتکل به عنوان اصلی ترین منابع الزامی حقوق بشری اعلام و به تصویب کشورهای مختلف رسیده است. از جمله این معاهدات که دولت ایران با امضا و تصویب آنها عملاً خود را ملزم به رعایت آنها در سطح داخلی و بین المللی کرده است میتوان از موارد زیر نام برد: (OHCHR, 2020)

- ۱- کنوانسیون بین المللی محو همه اشکال تبعیض نژادی (ICERD) ۱۹۶۵
 - ۲- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) ۱۹۶۶
 - ۳- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) ۱۹۶۶
 - ۴- کنوانسیون حقوق کودک (CRC) ۱۹۸۹
 - ۵- پروتکل اختیاری درمورد فروش، فحشا و پورنوگرافی کودکان (OP-CRC-SC) ۲۰۰۰
 - ۶- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (CRPD) ۲۰۰۶
- همانگونه که مشاهده میشود از میان ۱۸ معاهده اعلامی از سوی شورای حقوق بشر، ایران تعداد ۶ مورد را امضا و تصویب نموده است. از جمله معاهداتی که دولت ایران هنوز اقدام به امضا و یا تصویب آنها ننموده است نیز میتوان از موارد زیر نام برد:

- ۱- کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CESAW) ۱۹۷۹
- ۲- کنوانسیون مقابله با شکنجه (CAT) ۱۹۸۴
- ۳- کنوانسیون بین المللی حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده های آنان (ICMW) ۱۹۹۰
- ۴- کنوانسیون بین المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدشدن اجباری (ICPPED) ۲۰۰۶
- ۵- پروتکل اختیاری به میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR-OP) ۲۰۰۸
- ۶- اولین پروتکل اختیاری به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR-OP1) ۱۹۶۶
- ۷- دومین پروتکل اختیاری به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR-OP2) ۱۹۸۹
- ۸- پروتکل اختیاری کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW-OP) ۱۹۹۹
- ۹- پروتکل اختیاری در مورد مشارکت کودکان در درگیری مسلحانه (OP-CRC-AC) ۲۰۰۰
- ۱۰- پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک درمورد روش ارتباطات (OP-CRC-IC) ۲۰۱۴
- ۱۱- پروتکل اختیاری کنوانسیون مقابله با شکنجه (OP-CAT) ۲۰۰۲
- ۱۲- پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (OP-CRPD) ۲۰۰۶

نکته قابل توجه در ارتباط با موارد مذکور عدم امضا و تصویب دو مورد از مهمترین کنوانسیون های حقوق بشری یعنی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و کنوانسیون مقابله با شکنجه توسط ایران است که متأسفانه همین موضوع زمینه بهانه جویی ها و فشار عمده دولتهای بزرگ غربی تأثیر گذار بر سیاست های سازمان ملل و بلتبع شورای حقوق بشر بوده که با دستاویز قرار دادن همین موضوع، قطعنامه ها و گزارش های عمدتاً یکجانبه بسیاری را بر علیه ایران صادر و افکار عمومی را به سمت و سوی مورد نظر خود هدایت نمایند.

در ارتباط با کنوانسیون نخست میتوان عدم تصویب آن را عمدتاً با توجه به مسائل مذهبی، فرهنگی و هنجاری جامعه و دولت ایران تا حدودی مورد بحث قرار داد ولی در مورد کنوانسیون دوم علارغم ذکر صریح موضوع عدم شکنجه در اصل ۳۸ قانون

اساسی کشور و همچنین تلاش های صورت گرفته در سال ۱۳۸۲ توسط مجلس وقت برای تصویب کنوانسیون مذکور، با دخالت شورای نگهبان و عدم تایید از سوی این نهاد موضوع منتفی گردید و ایران هنوز هم جزو معدود کشورهای جهان و به همراه عمان تنها کشور اسلامیست که کنوانسیون منع شکنجه را مورد امضا و تصویب قرار نداده است. (قاموس مقدم، ۱۳۹۷)

همانگونه که در ابتدای این بخش ذکر گردید برای بررسی عملکرد حقوق بشری ایران نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر نخست لازم است به مرجع قوانین کشور یعنی قانون اساسی رجوع و نسبت به تطبیق مفاد اعلامیه نسبت به مواد قانون اساسی اقدام نمود که در ادامه نسبت به این موضوع مبادرت ورزیده شده است. (زرین دست، ۱۳۷۷: ۱۳۹-۱۶۰)

۵-۱- ماده نخست اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: آزادی، برابری حقوق و همکاری برادرانه
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۲ (بند ۱۴)، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۳۴، ۳۵، ۳۷
- توضیحات: موارد تطبیق اصول مذکور که به صراحت اعلام به برابری همگی ملت در برابر قانون، آزادی و حیثیت انسانی کرده اند را میتوان نسبت به ماده نخست اعلامیه مشاهده نمود.

۵-۲- ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: منع تبعیض و برخورداری از آزادی های کامل ذکر شده در اعلامیه
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۲ (بند ۶)، ۳ (بند ۷، ۱۴)، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۴۱، ۴۳ (بند ۱، ۲، ۴)، ۴۶، ۸۴، ۸۶، ۱۵۶
- توضیحات: ماده مذکور به عنوان تضمین دهنده رعایت آزادی های کلی اعلامیه از سوی دولت ها، صرف نظر از رعایت یا عدم رعایت آن بیشترین تاکید را در میان دیگر مفاد موجود در اعلامیه با قانون اساسی ایران دارد.

۵-۳- ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۸، ۳۹، ۴۱
- توضیحات: موضوع محوری این ماده که شامل آزادی و امنیت است، شامل اتباع خارجی نیز میگردد که متأسفانه در قانون اساسی کشور به این مبحث توجهی نگردیده است.

۵-۴- ماده چهارم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: منع بردگی و داد و ستد آن
- موارد تطبیق با قانون اساسی: عدم تطبیق
- توضیحات: با توجه به گذشت دوران و فاصله گرفتن دولت های جهان از عصر برده داری، هیچگونه توجهی به این موضوع در قانون اساسی کشور نشده است.

۵-۵- ماده پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: منع شکنجه و مجازات های غیر انسانی
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصل ۳۸
- توضیحات: با توجه به آنکه اکثر تدوین کنندگان قانون اساسی پس از انقلاب شامل افرادی بودند که در نظام قبلی مورد شکنجه قرار گرفته بودند، به این موضوع توجه ویژه شده و به صراحت در قانون اساسی آن را ممنوع کرده اند.

۵-۶- ماده ششم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی افراد
- موارد تطبیق با قانون اساسی: عدم تطبیق
- توضیحات: علاوه بر توجه قانون اساسی کشور نسبت به شخصیت حقیقی افراد، مواردی در مورد شخصیت حقوقی آنها ذکر نگردیده است.

۷-۵- ماده هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: تساوی همه افراد برابر قانون و حمایت قانون از آن ها
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۳ (بند ۱۴)، ۲۰،
- توضیحات: موضوع تساوی همه افراد برابر قانون در دو اصل مذکور به صراحت ذکر گردیده است.

۸-۵- ماده هشتم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق مراجعه به دادگاه های ملی برای احقاق حقوق
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۹۰، ۱۷۱، ۱۷۳
- توضیحات: بر اساس اصول مذکور هر سه قوه کشور به نوبه خود موظف به احقاق حق افراد گردیده اند.

۹-۵- ماده نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: منع حبس، تبعید و بازداشت خودسرانه
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصل ۳۲
- توضیحات: تطبیق ماده مذکور را از آنجا میتوان مورد قبول قرار داد که در اصل ۳۲ قانون اساسی، بازداشت افراد صرفاً با ذکر دلایل و تفهیم اتهام و بصورت قانونی قابل اجراست.

۱۰-۵- ماده دهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: رعایت بی طرفی و تساوی در دادگاه ها
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصل ۳۴
- توضیحات: ماده مذکور کاملاً با قانون اساسی مطابقت دارد.

۱۱-۵- ماده یازدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: بی گناهی افراد تا زمان اثبات جرم و مجازات هماهنگ نسبت به جرم
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۳۶، ۳۷
- توضیحات: در ارتباط با این ماده، فقط بخش بی گناهی افراد تا اثبات جرم بصراحت ذکر گردیده است.

۱۲-۵- ماده دوازدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حمایت قانون از افراد در برابر مداخله خود سرانه در زندگی شخصی آن ها
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۲۲، ۲۵
- توضیحات: قانون اساسی هرگونه مداخله در زندگی افراد را فقط بصورت قانونی مجاز دانسته و بدین ترتیب در تطابق کامل با اعلامیه قرار دارد.

۱۳-۵- ماده سیزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق عبور و مرور و ورود و خروج آزادانه به هر کشور
- موارد تطبیق با قانون اساسی: عدم تطبیق
- توضیحات: در ارتباط با ماده مذکور هیچگونه مبحث صریحی در قانون اساسی اعلام نگردیده است.

۱۴-۵- ماده چهاردهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق درخواست پناهندگی به دلیل شکنجه و آزار برای جرم های سیاسی
- موارد تطبیق با قانون اساسی: عدم تطبیق
- توضیحات: هیچگونه تطبیقی با یکدیگر ندارند.

۵-۱۵- ماده پانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق تابعیت و منع لغو خودسرانه آن
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۴۱، ۴۲
- توضیحات: کاملاً با دو اصل قانون اساسی مطابقت دارد.

۵-۱۶- ماده شانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق زناشویی و تشکیل خانواده با رضایت طرفین بدون هیچگونه محدودیت
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصل ۱۰
- توضیحات: این ماده با اصل دهم فقط در بخش کلیاتش که مربوط به ازدواج، تشکیل خانواده و حراست از بنیان های آن است قرابت داشته و مسئله محدودیت ها و رضایت در قانون اساسی ذکر نگردیده است.

۵-۱۷- ماده هفدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق مالکیت و منع لغو خودسرانه آن
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۴۶، ۴۷
- توضیحات: همانند ماده قبلی این بخش نیز بصورت صرفاً کلی و با ذکر شروطی شامل مالکیت مشروع مورد پذیرش قانون اساسی قرار گرفته است.

۵-۱۸- ماده هجدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: آزادی اندیشه، وجدان، دین و حق تغییر و اجرای مراسمات مربوط به آن
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۱۲، ۱۳، ۲۳
- توضیحات: با توجه به هنجارهای فرهنگی کشور و مقتضیات جامعه اسلامی، ماده مذکور با ارائه تعریفی منحصر به فرد از آن در اصول قانون اساسی ذکر گردیده است.

۵-۱۹- ماده نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق آزادی بیان، عقیده و انتشار و دریافت اطلاعات بدون محدودیت مرزی
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۹، ۲۳، ۲۴، ۲۵
- توضیحات: این ماده به غیر از بخش انتشار اطلاعات و با توجه به ارتباط آن با امنیت ملی کشور تا حدودی که موجب تضعیف مبانی اسلامی نگردد با قانون اساسی تطابق پذیر است.

۵-۲۰- ماده بیستم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: آزادی تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز و منع اجبار شرکت در تجمعات
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۲۶، ۲۷
- توضیحات: ماده مذکور با ذکر شرط عدم اختلال در مبانی اسلامی در تطابق کامل با قانون اساسی قرار دارد.

۵-۲۱- ماده بیست و یکم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق مشارکت در امور کشور، استخدام بدون تبعیض و انتخابات آزاد
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۶، ۵۸، ۶۲، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۷
- توضیحات: در همپوشانی کامل با اصول مذکور قرار دارد.

۵-۲۲- ماده بیست و دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق امنیت اجتماعی و استفاده از منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور
- موارد تطبیق با قانون اساسی: عدم تطبیق
- توضیحات: متأسفانه شاهد عدم ذکر صریح این ماده در اصول قانون اساسی می باشیم.

۵-۲۳- ماده بیست و سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق کار منصفانه، حمایت در مواقع بیکاری و حق تشکیل اتحادیه صنفی
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۲۸، ۴۳ (بند ۴)
- توضیحات: بجز حق تشکیل اتحادیه های صنفی سایر موارد در تطابق با اصول مذکور قرار دارند.

۵-۲۴- ماده بیست و چهارم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق استراحت و تفریح، محدودیت معقول ساعت کاری و حق مرخصی ادواری با حقوق
- موارد تطبیق با قانون اساسی: عدم تطبیق
- توضیحات: فاقد هرگونه اشاره مستقیم و غیر مستقیم می باشد.

۵-۲۵- ماده بیست و پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق سلامتی، رفاه، مراقبت پزشکی و تامین اجتماعی در موارد نقص عضو و حمایت از مادر و فرزند
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۳ (بند ۱۲)، ۲۱، ۲۹، ۳۱
- توضیحات: علاوه بر تطابق کامل با ماده مذکور، در مواردی حتی به نکات بیشتر و کاملتری در قانون اساسی نسبت به این اعلامیه اشاره گردیده است.

۵-۲۶- ماده بیست و ششم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: آموزش و پرورش رایگان و تساوی افراد در آموزش عالی بدون تبعیض از هر حیث و حق تقدم والدین در انتخاب نوع آموزش و پرورش
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصل ۳۰
- توضیحات: صرفا بخش آموزش و پرورش رایگان در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و به سایر موارد اشاره ای نشده است.

۵-۲۷- ماده بیست و هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق آزادی فرهنگی، استفاده از هنرها و علوم برای پیشرفت علمی و حمایت از آثار افراد
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصل ۴۶
- توضیحات: تا حدودی میتوان بخش حمایت از آثار این ماده را در تطابق غیر مستقیم با اصل ۴۶ دانست.

۵-۲۸- ماده بیست و هشتم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: برقراری نظم برای حفظ آزادی های اجتماعی و بین المللی اعلامیه
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصل ۹
- توضیحات: می توان ماده مذکور را در تطابق کلی با اصل نهم قانون اساسی دانست.

۵-۲۹- ماده بیست و نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: حق فرد در برابر جامعه و استفاده از آزادی ها در محدوده قانون و عدم مغایرت با اهداف ملل متحد
- موارد تطبیق با قانون اساسی: اصول ۹، ۲۴، ۲۶
- توضیحات: در تطابق نسبتا کاملی با قانون اساسی قرار دارد.

۵-۳۰- ماده سی ام اعلامیه جهانی حقوق بشر

- تعریف کلی: عدم تفسیر مفاد مذکور برای از بین بردن حقوق و آزادی های موجود در اعلامیه
- موارد تطبیق با قانون اساسی: عدم تطبیق
- توضیحات: بدلیل دستوری بودن ماده مذکور برای حفظ کلی مفاد اعلامیه، لزومی برای اشاره به آن وجود ندارد.

بصورت کلی تطبیق پذیری مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را میتوان به صورت کامل، متوسط و فاقد تطابق ارزیابی نمود که در این میان ۱۲ ماده در تطابق کامل، ۱۱ ماده در تطابق متوسط و ۷ ماده نیز فاقد هرگونه تطابق با اصول قانون اساسی کشور می باشند. ذکر این موضوع قابل تأمل بوده که بسیاری از بندهای اعلامیه علی رغم عدم تطابق و یا تطابق متوسط با قانون اساسی، در عمل تا حد زیادی از سوی دولت ایران مورد رعایت قرار گرفته و می توان عدم ذکر آن ها را ناشی از نقوصی دانست که نیاز به بازنگری در قانون اساسی را بیش از پیش آشکار می نماید. به عنوان نمونه میتوان از بندهای ۱۳ و ۲۴ اعلامیه نام برد که علی رغم عدم ذکرشان در قانون اساسی، بصورت کلی در تطابق عملکردی نسبتاً کاملی با اعلامیه قرار دارند.

در ارتباط با نهادهای ناظر بر عملکرد حقوق بشری دولت ها، چندین رکن از سازمان ملل متحد مرتبط با مسائل حقوق بشری ایران نسبت به ارائه بیانیه، گزارش و قطعنامه مبادرت ورزیده اند که در این میان مهمترین آنها شامل مجمع عمومی، شورای امنیت و شورای حقوق بشر می گردد. از میان آنها شورای حقوق بشر رسالت قاعده مندسازی مبانی حقوقی بشری، نظارت بر دولت ها برای اجرای این مبانی با ابزارهای مختلفی منجمله تعیین گزارشگرهای ویژه برای دولتهای در مظان اتهام نقض حقوق بشر و همچنین ارائه گزارش های ادواری از عملکرد کلیه دولت ها و در هماهنگی کامل با سایر نهادهای مرتبط با حقوق بشر سازمان ملل همچون کمیساری عالی حقوق بشر و کمیته های مرتبط با کنوانسیون های مصوب را بر عهده دارد. در ارتباط با مجمع عمومی که بعنوان یکی از ارکان اصلی شش گانه سازمان ملل متحد و در حکم پارلمان جهانی قرار گرفته عموماً با بررسی گزارش های شورای حقوق بشر به عنوان رکن فرعی مجمع، سایر نهاد ها و کمیته ها، سازمان های غیر دولتی وابسته، پیشنهاد کشورهای عضو مجمع و همچنین شورای امنیت نسبت به ارائه بیانیه هایی در ارتباط با حقوق بشر اقدام نموده که البته از جنبه الزام آور برخوردار نبوده و صرفاً موازین کشورهایی که خواه تحت فشار دولت های قدرتمند و خواه بصورت مستقل نسبت به ارائه نظرات خود در ارتباط با عملکرد حقوق بشری دولت ها مبادرت می ورزند را بیان می کند. شورای امنیت نیز به عنوان رکن اصلی اجرایی سازمان ملل تنها در صورتی وارد ارائه قطعنامه های الزام آور حقوق بشری خواهد گردید که موضوع مورد بحث از حساسیت بسیار بالایی برخوردار بوده و بصورت کاملاً مستقیم مبحث انسانیت و حق حیات را مورد نشانه خود قرار داده باشد، همانند مباحث نسل کشی و جنایات جنگی و کمتر وارد مباحث کلی و جزئی حقوق بشری کشورها می گردد. البته بدیهیست که رکن مذکور بواسطه دست بالای قدرت های پنجگانه جهانی و حق وتو آنها عمدتاً از استاندارد های دوگانه ای نه تنها در ارتباط با بحث حقوق بشر، بلکه در رسیدگی و تصمیم گیری به سایر موارد بین المللی برخوردار بوده و آن دولت ها نیز بیش از آنکه انسانیت را مبنای عملکرد قرار دهند، منافع ملی خود را در نظر گرفته که میتوان نمونه این بحث را در ارتباط با قطعنامه های ضد ایرانی پی در پی شورا امنیت و عدم توجه آنچنانی به جنایات عربستان سعودی در یمن به وضوح مشاهده نمود. بصورت کلی ۸ قطعنامه مهم از سوی شورای حقوق بشر و همچنین حدود ۳۰ قطعنامه نیز از سوی مجمع عمومی در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در ایران تا به امروز صادر گردیده که حال در بخش پایانی دو مورد اخیر از قطعنامه های صادره توسط دو رکن مذکور را به اختصار مرور خواهیم نمود. لازم به ذکر است قطعنامه های مذکور فاقد نظرات شخصی پژوهشگر و یا دیگران نسبت به آن بوده و صرفاً دیدگاه نهادهای مذکور را در راستای شناخت بیشتر عملکردشان به عینه مورد بیان قرار خواهد داد.

۶- قطعنامه A/HRC/RES/37/30 شورای حقوق بشر مورخ ۲۳ مارس ۲۰۱۸

در ابتدای این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی جدی نسبت به تحولات مورد ذکر در گزارش های پیشین، عدم همکاری ایران با شورا در راستای سفر گزارشگر ویژه حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفته و همچنین نسبت به تمدید وظیفه گزارشگر ویژه برای دوره یک ساله دیگر و ارائه گزارش های مربوط به آن درباره اجرای این وظیفه به چهلیمین جلسه شورای حقوق بشر و هفتادمین جلسه مجمع عمومی تاکید گردیده است. در بخش دوم آن از دولت جمهوری اسلامی ایران خواسته شده که علاوه بر همکاری کامل با گزارشگر ویژه، زمینه و اجازه دسترسی به اطلاعات لازم برای حسن انجام وظیفه اش را مبدول نماید. در بخش پایانی نیز از دبیرکل سازمان ملل درخواست گردیده که تمامی منابع مورد نیاز برای تهیه گزارش را در اختیار گزارشگر قرار داده و از آن حمایت لازم را به عمل بیاورد.

قطعنامه مذکور با ۲۱ رای موافق، ۷ رای مخالف و ۱۹ رای ممتنع به تصویب شورای حقوق بشر رسید.

۷- قطعنامه A/RES/73/181 مجمع عمومی مورخ ۱۵ ژانویه ۲۰۱۹

در ابتدای این قطعنامه ضمن یادآوری وعده های رئیس جمهور برای بهبود وضعیت حقوق بشر در کشور، تصمیم دولت ایران برای لغو مجازات اعدام برای جرائم مرتبط با موضوع مواد مخدر مورد استقبال قرار گرفته و این مسئله را زمینه ای برای کاهش قابل توجه جرائم مرتبط با مواد مخدر دانسته و برای تقلیل مجازات اعدام به حبس برای پرونده های جاری، متولیان دستگاه

قضایی کشور را مورد تشویق و ترغیب قرار داده است. سپس لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در مجلس ایران و تصویب آن را گامی مهم برای کاهش خشونت و سو استفاده از آنان دانسته و ضمن یادآوری تعهد دولت ایران نسبت به وضعیت زنان، بهبود آن را خواستار و در این ارتباط کنوانسیون رفع هرگونه خشونت علیه زنان را معرفی نموده است. همچنین از تعامل دولت ایران با نهاد های حقوق بشری از طریق ارسال گزارش های ادواری بویژه نسبت به کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت استقبال شده است. سپس عملکرد ایران به واسطه تلاش مستمر برای میزبانی مناسب از پناهندگان افغان و سعی در برقراری نیاز های اساسی آنها بویژه مراقبت های بهداشتی و آموزشی از کودکان، مورد ستایش قرار گرفته است. همچنین از آمادگی دولت و شورای حقوق بشر ایران برای گفتگو های دوجانبه و تعامل با گزارشگر ویژه حقوق بشر استقبال گردیده است.

در بخش بعدی ضمن ابراز نگرانی جدی نسبت به اعدام های صورت گرفته به دلایل مختلف و به واسطه اعترافات و عدم اطلاع زندانی و خانواده آن پیش از اجرای حکم، خصوصا نسبت به افراد زیر سن قانونی و بی اعتنایی دولت ایران نسبت به کنوانسیون های مختلف مرتبط به این بحث، خواستار خاتمه این موضوعات گردیده است. همچنین از دولت ایران خواسته شده اطمینان حاصل نماید که افراد تحت شکنجه و مجازات های شدید قرار نگرفته و مجازات آنها فقط در حد ماهیت جرم آن ها و بر طبق اصلاحات قانون مجازات اسلامی باشد. سپس دولت را به جلوگیری از بازداشت های خودسرانه، خصوصا درباره افراد دوتابعیتی ترغیب نموده و خواستار دادرسی عادلانه و حق دسترسی آنان به وکیل شده است. همچنین خواستار لغو بازداشت افراد شرکت کننده در اعتراضات مسالمت آمیز و همچنین لغو مجازات های سختگیرانه بر علیه آنان شده است. همچنین از دولت رسیدگی به وضعیت زندانیان و جلوگیری از منع عمدی رسیدگی کادر پزشکی به وضعیت آنان که موجبات مرگشان را فراهم نموده خواستار و از بازداشت خانگی رهبران مخالف در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۸ که منجر به وضعیت سلامتی نامناسب آنان و فشار به بستگانشان شده ابراز نگرانی شده است. در ادامه همکاری نهادهای قضایی ایران برای بوجود آوردن محیطی امن و قانونی برای جامعه ای دموکرات و همراه با آزادی بیان برای همه و لغو اذیت و آزار و همچنین شناخت حق اعتراضات مسالمت آمیز را خواستار گردیده است. پس از آن حراست و بهبود وضعیت زنان در ایران و جلوگیری از ازدواج های اجباری و زود هنگام و همچنین حق تحصیل، کار و مشارکت در تصمیم گیری های سیاسی آنان بدون تبعیض را خواستار گردیده است. همچنین از دولت ایران خواسته شده که بصورت قانونی و در عمل نیز هرگونه اشکال تبعیض قومیتی، زبانی و مذهبی را از بین برده و در ادامه از وضعیت آزادی اندیشه و مذهب و در ورای آن محدودیت های شدید در زمینه های ساخت مراکز مذهبی، مسائل آموزشی و بازداشت خودسرانه اقلیت های مذهبی ابراز نگرانی جدی شده و خواستار لغو هرگونه تبعیض نسبت به آنان از جمله محدودیت های اقتصادی و کاری شده است. همچنین پاسخگویی دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به موارد نقض حقوق بشر توسط برخی نهادهای داخلی که باعث مرگ مشکوک افراد تحت بازداشت شده را خواستار گردیده است. در ادامه با تاکید بر اجرای دقیق مفاد معاهدات حقوق بشری که دولت ایران عضو آنها بوده، تصویب سایر کنوانسیون های حقوق بشری و تعامل دولت ایران با مکانیزم های حقوق بشری منجمله همکاری کامل با گزارشگر حقوق بشر، افزایش همکاری برای دسترسی ماموران سازمان به مکان های محدود شده، ادامه همکاری با کنوانسیون های حقوق بشری و ارسال گزارش های تاخیری برای آنها، اجرای کلیه توصیه های جهانی چرخه های اول، دوم و سوم طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹، تعامل دولت با تحقیقات سازمان، اصلاحات قانون و عمل به گفته های ریاست جمهوری کشور نسبت به ارتقای موازین حقوق بشری را خواستار و همچنین درخواست توجه به نگرانی های مطرح شده توسط دبیر کل، شورای حقوق بشر و قطعنامه های قبلی مجمع عمومی را مطرح نموده است. در انتها نیز از دبیر کل خواسته شده وضعیت حقوق بشر را طی گزارشی مقدماتی به هفتاد و چهارمین جلسه مجمع عمومی و همچنین شورای حقوق بشر ارسال تا برای ادامه و یا لغو ماموریت های حقوق بشری سازمان در ایران تصمیم گیری گردد.

۸- نتیجه گیری

مسئله نسبیتهای فرهنگی در شکل دهی به دیدگاه کشورهای مختلف نسبت به حقوق بشر امری بدیهی بوده و نمی توان خرده ای بر آن گرفت ولی نکات قابل توجه را میتوان از دو منظر مورد بحث قرار داد. اولاً میتوان گفت که تفاوت دیدگاه ها نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر عمدتاً ناشی از نگارش این اعلامیه با تفکرات نشأت گرفته از لیبرال دموکراسی مغرب زمین بوده و همین موضوع و عدم توجه کافی و صحیح به فرهنگ ها، ایدئولوژی و ادیان مختلف راه را برای عدم رعایت و مخالفت با آن توسط دولت های مختلف و به بهانه های مذکور فراهم نموده و ثانیاً دولت ها این اعلامیه و کنوانسیون های مختلف حقوق بشری را صرفاً به عنوان ابزاری برای بهبود افکار عمومی داخلی و خصوصاً جامعه جهانی نسبت به خود دانسته و عملاً پیوستن و التزام به آن را صرفاً بصورت ظاهری قبول ولی عملکرد کاملاً متفاوتی را نسبت به آن را ارائه می دهند.

در این میان ایران نیز عمدتاً تا حد و حدودی نسبت به رعایت عملی و همچنین مدون سازی اعلامیه جهانی حقوق بشر در قالب قوانین خود و مرجع آنها یعنی قانون اساسی اقدام نموده که موجب وارد گردیدن خدشه ای به هنجارهای پایه ای و اساسی

فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی خود نگردد و در این جاست که با تایید فرضیه ابتدایی این پژوهش مواجه می گردیم. نکته بعدی در ارتباط با عملکرد ایران نسبت به اعلامیه مذکور و بلتبع سایر کنوانسیون هاست که در این میان ذکر چند نکته برای درک مباحث این بخش مورد نیاز است. دولت ایران قبل از انقلاب اسلامی جزو نخستین کشورهایی بود که علاوه بر موافقت با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل، میثاقین آن در ۱۹۶۶ را نیز در مجلس وقت خود تصویب نمود و عملاً خود را ملتزم به رعایت منشور جهانی حقوق بشر دانست. پس از انقلاب نیز علاوه بر منشور مذکور، نظام جمهوری اسلامی ایران با پیوستن به برخی از کنوانسیون های حقوق بشری راه را برای اعتلای موازین آن در کشور هموار نمود. در این میان با مطالعه و بررسی مرجع اصلی قوانین کشور یعنی قانون اساسی و تطبیق آن با بندهای اعلامیه جهانی حقوق بشر با پارادوکس های عجیبی مواجه خواهیم گردید. بسیاری از مفاد اعلامیه در تطابق کامل و یا نسبی با قانون اساسی برخوردار بوده ولی در عین حال چندین ماده علی رغم تطابق کامل با عملکرد دولت جمهوری اسلامی ایران و رعایت عملی آنها، از هیچگونه اشاره ای در قانون اساسی برخوردار نبوده و همچنین برخی از بندهای مورد اشاره در قانون اساسی بر طبق گزارش سازمان های جهانی از منظر التزام عملی در حاله ای از ابهام قرار گرفته و عمدتاً از سوی دولت مورد رعایت قرار نمی گیرند. بصورت کلی می توان گفت دولت ایران مواردی از اعلامیه را که هیچگونه اشاره ای به آن در قوانین خود نداشته، به صورت کامل و حتی سطح بالاتری نسبت به اعلامیه مورد رعایت قرار داده و در عوض برخی از موارد آن را که حتی در قوانین خود نیز به صراحت ذکر کرده بصورت کامل و صحیح مورد رعایت قرار نمی دهد.

نهایتاً ذکر دو پیشنهاد در راستای کمک به حل این موضوع مورد نیاز می باشد. اول آنکه با ایجاد اصلاحاتی در قانون اساسی به عنوان عالی ترین مرجع مدون قانونی در کشور و تطابق بیشتر آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر و رفع اشکالات ذکر شده و خصوصاً توجه به مفادی از اعلامیه همانند مواد ۱۳ و ۲۴ که در عین رعایت توسط دولت هیچگونه اشاره ای به آن ها در قانون اساسی نشده، به تطابق پذیری، مدون سازی و همچنین عملکرد بهتر و صحیح تر دستگاه های زیربنا آنها در بستر قانونی کشور و در نتیجه اعطای پتانسیل های حقوق بشری کشور در سطح داخلی و بین المللی کمک شایانی خواهد نمود. نکته دوم و نهایی نیز در ارتباط با ۱۸ کنوانسیون اصلی حقوق بشری از دیدگاه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد می باشد که متأسفانه عدم پیوستن ایران به بسیاری از آنها راه را برای سواستفاده قدرت های عمدتاً غربی مخالف برای تحریک افکار عمومی جهانی و همچنین اعمال تحریم های مختلف و در نهایت تحمیل هزینه های مادی و معنوی بسیار بر کشور فراهم نموده است. به نظر می رسد پیوستن ایران به کنوانسیون های مذکور حتی با اعمال حق شرط بر بندهایی از آنها در صورت عدم تطابق با هنجار های فرهنگی، دینی و سیاسی کشور (همانند اعمال حق شرط فرانسه برای پیوستن به میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶) بسیاری از مشکلات و هزینه های ذکر شده را مرتفع و نتیجتاً علاوه بر ارتباط بهتر و بیشتر کشور با نهادهای بین المللی، از بهانه گیری های عمدتاً غیرعادلانه قدرت های اثرگذار بر سازمانهای جهانی همچون آمریکا که حقوق بشر را بستری برای اعمال فشار بر دولت های مخالف خود قرار داده اند تا حد بسیاری جلوگیری خواهد نمود.

منابع

۱. اسلامی، سید حسن (۱۳۹۱)، «اعلامیه اسلامی حقوق بشر و مسئله نابرابری ها»، فصلنامه حقوق بشر. دانشگاه مفید. دوره هفتم. شماره ۲، ص ۱-۲
۲. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، «اسلام و روابط بین الملل»، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق
۳. زرین دست، جواد (۱۳۷۷)، «بررسی تطبیقی قوانین اساسی قبل و بعد از انقلاب اسلامی با اعلامیه حقوق بشر: هم سنجی دو قانون اساسی با یک اعلامیه جهانی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۶، ص ۱۳۹-۱۶۰
۴. سلطانی گردفرامری، سمانه (۱۳۹۶)، «مقایسه بنیادهای هستی شناسانه اعلامیه قاهره و اعلامیه جهانی حقوق بشر»، چهارمین همایش ارزیابی کارآمدی قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، ص ۵
۵. صفایی، سید حسن (۱۳۷۰)، «حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر»، فصلنامه حقوق. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۲۷، ص ۱-۲
۶. فرخی، محمد حسن (۱۳۹۴)، «حقوق بشر در حقوق بین الملل و حقوق اسلام و اکاوی اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه قاهره»، کنفرانس سالانه رویکردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی، ص ۵
۷. قاموس مقدم، حسام الدین (۱۳۹۷)، «چرا عضو کنوانسیون منع شکنجه نیستیم»، بازبینی شده از: <https://www.isna.ir/news/97110200986>

۸. والتز، سوزان (۱۳۸۴)، «احیا و بازسازی تاریخ اعلامیه جهانی حقوق بشر»، ترجمه عباس خلجی، مجله علوم انسانی، دانشگاه

امام حسین، شماره ۶۱، ص ۱۶۲-۱۷۹

9. General Assembly (2019), Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran, United Nations, A/RES/73/181
10. Human Rights Council (2018), Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran, United Nations, A/HRC/RES/37/30
11. OHCHR (2020). Ratification Status for Iran (Islamic Republic of). Retrieved from: https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/TreatyBodyExternal/Treaty.aspx?CountryID=81&Lang=EN
12. Williams PA, (1981). The International Bill of Human Rights, 1nd ed, Entwistle Books, USA